

کتاب دانیال - شماره نود و پنج

پرده برداری از اهمیت پیش‌گویانه پیام فرشته دوم

Jeff Pippenger

2024-02-28

در تاریخ حرکت هر دو فرشته اول و سوم، پیام را می‌توان در پیام فرشته دوم خلاصه کرد.

و فرشته‌ای دیگر در پی او آمد و گفت: «بابل سقوط کرده است، سقوط کرده است، آن شهر عظیم، زیرا همه قوم‌ها را از شراب خشم زناکاری خود نوشانید.» مکاشفه 14:8.

فرشته دوم، برای آنان که می‌خواهند ببینند، کاربرد سه‌گانه نبوت را مشخص می‌کند. فرشته دوم پیامی نبوی عرضه می‌کند و آن پیام این است که بابل دو بار سقوط کرده است. او بابل را همان «شهر بزرگ» می‌خواند که در فصل‌های هفدهم و هجدهم به عنوان «بابل مدرن» معرفی شده است. بابل مدرن دو بار سقوط کرده است، و سقوط او به این سبب رخ داد که همه ملت‌ها را واداشت «از خشم زناکاری‌اش بنوشند». زناکاری او با پادشاهان زمین انجام شد. این رابطه به او اجازه داد تا از قدرت پادشاهانی که با آنان زناکاری کرده بود بهره‌گیرد تا «خشم» خود را به اجرا بگذارد؛ یعنی جفایی را که بر قوم وفادار خدا وارد می‌کند.

شراب، آموزه‌ای است، و آموزه‌ای که او همه ملت‌ها را و می‌دارد تا از آن بنوشند، آموزه باطلی است که ادعا می‌کند پرستش خورشید صلح به بار می‌آورد. همه ملت‌ها «نشان» اقتدار او را می‌پذیرند، که همان پرستش خورشید است، چنان‌که در پرستش روز یکشنبه نمایان می‌شود. پذیرش آن «نشان» توسط همه ملت‌ها با قدرت ایالات متحده به انجام می‌رسد، اما این کار در زمانی صورت می‌گیرد که جنگی رو به تشدید، به دست «وای سوم اسلام» بر سیاره زمین تحمیل می‌شود. ملت‌ها «شراب» خشم او را بر پایه وعده «صلح و امنیت» می‌پذیرند.

اکنون چنین گفته می‌شود که من اعلام کرده‌ام نیویورک قرار است با موجی جزرومدی روییده شود؟ من هرگز چنین نگفته‌ام. من گفته‌ام، هنگامی که به ساختمان‌های عظیمی می‌نگریستم که در آنجا طبقه پشت طبقه قد می‌کشند، «چه صحنه‌های هولناکی رخ خواهد داد وقتی خداوند برخیزد تا زمین را سخت بلرزاند! آنگاه سخنان مکاشفه ۱۸:۱-۳ تحقق خواهد یافت.» سراسر فصل هجدهم مکاشفه هشدار است درباره آنچه بر زمین خواهد آمد. اما درباره آنچه بر نیویورک خواهد آمد، نوری خاص ندارم؛ فقط می‌دانم روزی ساختمان‌های عظیم آنجا با زیر و رو کردن قدرت خدا به زیر افکنده خواهند شد. از نوری که به من داده شده، می‌دانم که ویرانی در جهان هست. یک کلام از جانب خداوند، یک لمس از قدرت عظیم او، و این بناهای عظیم فرو خواهند ریخت. صحنه‌هایی رخ خواهد داد که هولناکی آن را نمی‌توانیم تصور کنیم. Review and Herald، ۵ ژوئیه ۱۹۰۶.

پیام دوم فرشتگان در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تکرار شد، زمانی که ساختمان‌های عظیم شهر نیویورک با لمس دست خدا فرو ریختند.

پیامبر می‌گوید: «دیدم فرشته‌ای دیگر از آسمان فرود آمد که قدرتی عظیم داشت؛ و زمین از جلال او روشن شد. و با صدایی بلند و نیرومند فریاد زد و گفت: بابل عظیم سقوط کرد، سقوط کرد، و مسکن شیاطین شده است» (مکاشفه ۱۸:۱، ۲). این همان پیامی است که فرشته دوم داد. بابل سقوط کرده است، «زیرا همه امت‌ها را از شراب خشم زناکاری‌اش نوشانید» (مکاشفه ۱۴:۸). آن شراب چیست؟ آموزه‌های باطل او. او به جهان سبت جعلی به جای سبت حکم چهارم داده است و

همان دروغی را که شیطان نخست در عدن به حوا گفت، تکرار کرده است—جاودانگی طبیعی نفس. بسیاری خطاهای هم‌خانواده را در سراسر جهان پراکنده کرده است، «احکام انسان‌ها را به‌جای تعالیم تعلیم می‌دهند» (متی ۱۵:۹).

وقتی عیسی خدمت عمومی خود را آغاز کرد، هیکل را از بی‌حرمتی کفرآمیزش پاک ساخت. از جمله آخرین اعمال خدمت او، دومین پاکسازی هیکل بود. پس در آخرین کار برای هشدار به جهان، دو دعوت متمایز به کلیساها داده می‌شود. پیام فرشته دوم این است: «بابل سقوط کرد، سقوط کرد، آن شهر بزرگ، زیرا همه ملت‌ها را از شراب خشم زناکاری خود نوشانید» (مکاشفه ۱۴:۸). و در فریاد بلند پیام فرشته سوم، آوازی از آسمان شنیده می‌شود که می‌گوید: «ای قوم من، از او بیرون آید تا در گناهانش شریک نشوید و از بلایایش نصیبی نبرید. زیرا گناهانش تا به آسمان رسیده و خدا شرارت‌هایش را به یاد آورده است» (مکاشفه ۱۸:۴، ۵). پیام‌های برگزیده، جلد ۲، صفحه ۱۱۸.

در فاصله میان ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و قانون یکشنبه‌ای که به‌زودی در ایالات متحده برقرار می‌شود، سه آیه نخست باب هجدهم مکاشفه یوحنا تحقق می‌یابند، زیرا در هنگام قانون یکشنبه است که دعوت به خروج از بابل آغاز می‌شود.

مکاشفه ۱۸ به زمانی اشاره می‌کند که در نتیجه رد هشدار سه‌گانه مکاشفه ۱۴:۶-۱۲، کلیسا به‌طور کامل به حالتی که فرشته دوم پیشگویی کرده بود خواهد رسید، و مردم خدا که هنوز در بابل اند فراخوانده خواهند شد تا از مشارکت با او جدا شوند. این پیام آخرین پیامی است که به جهان داده خواهد شد؛ و کار خود را به انجام خواهد رساند. هنگامی که آنان که «حقیقت را باور نکردند، بلکه به ناراستی دل خوش داشتند» (دوم تسالونیکیان ۲:۱۲)، واگذاشته شوند تا گمراهی شدیدی را بپذیرند و دروغی را باور کنند، آنگاه نور حقیقت بر همه کسانی که دل‌هایشان برای پذیرفتن آن گشوده است خواهد درخشید، و همه فرزندان خداوند که در بابل باقی مانده‌اند به این ندا گوش فرا خواهند داد: «ای قوم من، از او بیرون آید» (مکاشفه ۱۸:۴). مناقشه بزرگ، ۳۸۹، ۳۹۰.

در قانون یکشنبه‌ای که به‌زودی فرا می‌رسد، قوم عهد سابق دچار گمراهی شدید خواهند شد. از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا زمانی که این گمراهی شدید در قانون یکشنبه ریخته می‌شود، پیام فرشته دوم تکرار می‌شود، و رد آن نشان‌دهنده رد «هشدار سه‌گانه مکاشفه فصل چهارده، آیات شش تا دوازده» است. در این معنا، سه فرشته به‌وسیله پیام فرشته دوم نمایندگی می‌شوند. پیام فرشته دوم این است که «بابل سقوط کرده است، سقوط کرده است»، و پیام فرشته دوم میان پیام نخست و سوم قرار دارد.

اعلام صدای نخست در باب هجدهم مکاشفه، تکرار پیام فرشته دوم است، اما بیانگر رد هر سه فرشته باب چهاردهم مکاشفه است. پیام فرشته دوم نمایانگر هر سه پیام است و امضای آلفا و امگا را دارد، زیرا در تاریخ جنبش فرشته اول اعلام شد و سپس در جنبش فرشته سوم بار دیگر اعلام خواهد شد. این پیام تصریح می‌کند که بابل دو بار سقوط کرده است و در این معنای نبوی، «کاربرد سه‌گانه نبوت» را معرفی می‌کند.

دو بار نخست سقوط بابل، که با بابل و بابل نشان داده شده‌اند، نمایانگر سقوط نهایی بابل مدرن‌اند. اعلان دوگانه سقوط بابل در دو سوی خود با پیام نخست و پیام آخر سه فرشته احاطه شده است. ساختار سه فرشته نشان آلفا و امگا را دارد، زیرا پیام نخست به‌عنوان «انجیل جاودان» شناخته می‌شود که بنا به تعریف یعنی انجیل ابدی، یا همان پیام انجیل برای همه زمان‌ها. پیام فرشته سوم پیام انجیل است که از گرفتن نشان وحش برحذر می‌دارد؛ پس پیام نخست و پیام سوم، که نخستین و آخرین پیام‌ها هستند، پیام‌های یکسانی‌اند، زیرا هر دو انجیل‌اند.

آلفا و امگای «راستی» خود را بر سه پیام نهاد، زیرا واژه عبری «راستی» به وسیله زبان شناس شگرف با ترکیب حرف اول، سیزدهم و آخرین حرف الفبای عبری ساخته شده بود. «سیزده» به عنوان نماد، سرکشی را نمایندگی می‌کند، و این در پیام دوم است که سرکشی بابل—چنان که به وسیله تعالیم کاذب و زناکاری اش نمایانده می‌شود—شناسایی می‌گردد. همان گونه که پیش‌تر اشاره شد، پیام دوم نیز امضای آلفا و امگا را در بر دارد، زیرا پیامی که در تاریخ جنبش میلر برای اعلام گشایش داوری مطرح شد، در جنبش فرشته سوم تکرار می‌شود تا پایان داوری را مشخص کند.

سقوط بابل در سفر پیدایش، باب یازدهم، نخستین اشاره به سقوط بابل است، و گواهی شورش گستاخانه نمرود مهر پیام فرشته نخست را در خود دارد. چنان که در مقالات پیشین نشان داده شده است، هر سه پیام آن سه فرشته در پیام فرشته نخست نیز نهفته‌اند. در پیام فرشته نخست، عبارت "از خدا بترسید" نمایانگر پیام نخست است، و عبارت "به او جلال دهید" نمایانگر پیام فرشته دوم است. پیام سوم نیز در پیام نخست یافت می‌شود، آن گاه که اعلام می‌کند: "ساعت داوری او فرا رسیده است."

در سقوط نمرود، که نخستین سقوط بابل است، سه گام سه فرشته نیز شناسایی می‌شوند. این امر با عبارت «to» to نشان داده می‌شود.

و تمام زمین یک زبان و یک گفتار داشت. و واقع شد که چون از مشرق کوچ می‌کردند، دشتی در سرزمین شینعار یافتند و در آنجا ساکن شدند. و به یکدیگر گفتند: بیایید خشت بسازیم و آنها را خوب بپزیم. پس خشت را به جای سنگ به کار داشتند و قیر را به جای ملات. و گفتند: بیایید شهری و برجی برای خود بنا کنیم که سر آن به آسمان برسد، و نامی برای خویش بسازیم، مبادا بر روی تمام زمین پراکنده شویم. و خداوند فرود آمد تا شهر و برجی را که فرزندان آدم می‌ساختند، ببیند. و خداوند گفت: اینک قوم یکی است و همگان یک زبان دارند؛ و این است آغاز کارشان؛ و اکنون هیچ کاری که قصد انجامش کنند از ایشان بازداشته نخواهد شد. بیایید فرود آییم و در آنجا زبانشان را مشوش سازیم تا سخن یکدیگر را نفهمند. پس خداوند ایشان را از آنجا بر روی تمام زمین پراکنده ساخت، و از سیاختن شهر بازایستادند. از این رو نام آن را بابل نهادند، زیرا خداوند در آنجا زبان تمام زمین را مشوش ساخت؛ و از آنجا خداوند ایشان را بر روی تمام زمین پراکنده کرد. پیدایش ۱۱:۹-۱۱:۹.

نخستین سقوط بابل، که به صورت «بابل» بازنمایی شده، با عبارت «بیایید» سه بار بیان می‌شود. هر سه فرشته در فرشته اول بازنمایی شده‌اند. باب اول دانیال نیز پیام فرشته اول را بازنمایی می‌کند و، چنان که پیش‌تر در این مقالات مشخص شده، فرایند آزمون سه مرحله‌ای انجیل جاودان در گام نخست یافت می‌شود؛ زمانی که دانیال از خوردن رژیم غذایی بایلی خودداری کرد و در عوض برگزید که به خدا جلال بدهد. آزمون نخست او آزمون فرشته اول بود که در تاریخ میلریتی، در ۱۱ اوت ۱۸۴۰، با کتابچه‌ای کوچک فرود آمد؛ همان کتابی که به یوحنا فرمان داده شده بود آن را بخورد.

سپس او را در معرض آزمون دیداری ده‌روزه‌ای قرار دادند که تفاوت میان کسانی را که خوراک بایلی می‌خوردند و کسانی را که، مانند دانیال، خوردن حیوانات را برگزیدند، نشان داد. آزمون دوم دو دسته پدید آورد، همان گونه که آمدن فرشته دوم در سال ۱۸۴۴ چنین کرد. پس از آن آزمون دوم، آزمون پایان سه سال فرا رسید، جایی که نبوکدنصر داوری خود را آشکار کرد؛ چنان که آمدن فرشته سوم در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ نمایانگر آن بود.

پس از طوفان، به نوح دستور داده شد که قربانگاه‌هایی بنا کند و هنگام انجام این کار، هرگز سنگ‌هایی را که به کار می‌برد نباید می‌برید یا می‌تراشید، و نیز نباید برای قربانگاهش از ملات استفاده می‌کرد. نمرود سرکش از آجر و ملات استفاده کرد و بدلی از قربانگاه رابطه عهدی ساخت که

به کسانی که قرار بود زمین را از نو پر کنند دستور داده شده بود از آن استفاده کنند. نخستین «to» در روایت نمرود نمایانگر «عهد مرگ» است که در شورش علیه پیام نخست شکل گرفت. دومین «to» to» نمایانگر ساختن برجی (یک کلیسا) و شهری (یک دولت) است. سومین «to» to» در روایت نمرود، اتحاد کلیسا و دولت بود که زناکاری پیام فرشته دوم است. سومین «to» to» نمایانگر داوری پراکندن مردم و مغشوش کردن زبان بود.

نخستین سقوط بابل نمونه پیام فرشته نخست است، و سقوط دوم بابل، در دو نمود خود که عناصر سقوط بابل امروزی را شکل می‌دهند، نمونه پیام فرشته دوم است. چنین است، زیرا سقوط بابل همان‌گونه که در کتاب دانیال ثبت شده، نمایانگر آغازی و پایانی است؛ همان‌طور که پیام فرشته دوم نیز در آغاز و پایان ادونتیسیم اعلام می‌شود. خواهر وایت به صراحت تصریح کرد که داوری‌ای که بر بلشاصر نازل شد، پیش‌تر به وسیله داوری‌ای که بر نبوکدنصر واقع شده بود، نمونه‌وار نشان داده شده بود.

«بر آخرین فرمانروای بابل، چنان‌که به‌گونه‌ای نمادین بر نخستین آن نیز، حکم دیده‌بان الهی نازل شده بود: «ای پادشاه، ... به تو گفته می‌شود: پادشاهی از تو برداشته شده است.» دانیال 4:31»
انبیا و پادشاهان، 533.

سقوط دوم بابل دارای نشان آلفا و امگا است، همان‌گونه که پیام فرشته دوم نیز این نشان را دارد. این نشان با سقوط نخستین و آخرین پادشاهان بابل نمایان می‌شود. داوری و سقوط نبوکدنصر با «هفت زمان» نشان داده شده است که اشاره‌ای است به «هفت زمان» لایوان بیست‌وشش، و «پراکندگی» در داوری و سقوط نمرود نیز اشاره‌ای است به «هفت زمان» لایوان بیست‌وشش. داوری و سقوط بلشاصر با حروف آتشی‌نشان نشان داده می‌شود که جمع آن‌ها به دو هزار و پانصد و بیست می‌رسد و این نیز اشاره‌ای است به «هفت زمان» لایوان بیست‌وشش.

یک «کاربرد سه‌گانه پیشگویی» به وسیله دو شاهد نخست که ویژگی‌های تحقق سوم و نهایه را شناسایی و تثبیت می‌کنند، برقرار می‌شود. با سه سقوط بابل، همان پیامی که سقوط بابل را شناسایی می‌کند، همچنین قاعده‌ای را مشخص می‌کند که کاربرد سه‌گانه پیشگویی بر آن مبتنی است. دو سقوط نخست بابل، ویژگی‌های پیش‌گویانه سقوط سوم و نهایه را مشخص می‌کند.

تاریخ میلری‌ها مو به مو در تاریخ Future for America تکرار می‌شود. در تاریخ میلری‌ها، مجموعه‌ای از قواعد که ویلیام میلر با آنها آشنا شد و برای برپایی چارچوب حقیقتی که به وسیله آن پیام فرشته اول را ارائه می‌کرد به کار گرفت، یکی از نشانه‌های راه آن تاریخ بود. «کاربرد سه‌گانه نبوت» یکی از قواعدی است که در این روزهای آخر گردآوری شده تا چارچوب حقیقتی را بنا کند که در آن پیام فرشته سوم شناسایی می‌شود.

سه نمود روم، همراه با سه نمود سقوط بابل، به هم نزدیک‌اند، اما تفاوت‌هایی نیز دارند. روسپی‌ی صورت، یا بابل، که با پادشاهان زمین زنا می‌کند، با آنان یک تن است، اما همان‌گونه که ایزابل بر شاه آخاب سلطنت می‌کرد، او بر آن پادشاهان سلطنت می‌کند. روم مدرن همان وحش مکاشفه هفده است که روسپی‌ی بابل مدرن بر آن سوار است و بر آن حکم می‌راند.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

سپس نگاهم از جلال برداشته شد و توجهم به بازماندگان روی زمین معطوف گردید. فرشته به آنان گفت: «آیا هفت بلای آخرین را دوری خواهید جست؟ آیا به سوی جلال خواهید رفت و از هرآنچه خدا برای آنان که او را دوست می‌دارند و به خاطر او رنج کشیدن را می‌پذیرند مهیا کرده است، بهره‌مند خواهید شد؟ اگر چنین است، باید بمیرید تا زنده شوید. آماده شوید، آماده شوید،

آماده شوید. باید آمادگی شما بیش از آنچه اکنون دارید باشد، زیرا روز خداوند می‌آید؛ روزی سخت، آکنده از خشم و غضب سوزان، تا زمین را ویران سازد و گناهکاران آن را از میان براندازد. همه چیز را برای خدا قربانی کنید. همه چیز را بر مذبح او بگذارید—خویشتن، دارایی، همه چیز—قربانی‌ای زنده. ورود به جلال، همه چیز را خواهد طلبید. برای خود در آسمان گنج بپندوزید، جایی که نه دزد به آن راه می‌یابد و نه زنگ آن را تپاه می‌کند. اگر می‌خواهید پس از این با او در جلالش سهیم باشید، باید همین‌جا در رنج‌های مسیح شریک شوید.»

بهشت، اگر به بهای رنج به دست آید، بس ارزان خواهد بود. باید در سراسر راه نفس را انکار کنیم، هر روز به نفس بمیریم، بگذاریم تنها عیسی نمایان باشد، و جلال او را پیوسته پیش چشم داشته باشیم. دیدم که آنان که به تازگی حقیقت را پذیرفته‌اند باید بدانند رنج کشیدن به خاطر مسیح یعنی چه؛ آنان آزمایش‌هایی را از سر خواهند گذراند که سخت و جانکاه‌اند، تا به واسطه رنج پاک و مهیا شوند، مهر خدای زنده را دریافت کنند، از دوران سختی بگذرند، پادشاه را در جلالش ببینند، و در حضور خدا و فرشتگان پاک و مقدس ساکن شوند.

چون دیدم برای آنکه وارث جلال شویم چه باید باشیم، و سپس دیدم عیسی چقدر رنج کشیده بود تا برای ما چنین میراث غنی‌ای به دست آورد، دعا کردم که در رنج‌های مسیح تعمید یابیم، تا از آزمایش‌ها نهراسیم و عقب ننشینیم، بلکه آنها را با شکیبایی و شادی تحمل کنیم، با دانستن آنچه عیسی رنج کشید تا ما از طریق فقر و رنج‌های او غنی گردیم. فرشته گفت: «خود را انکار کنید؛ باید سریع گام بردارید.» برخی از ما فرصت داشته‌ایم که حقیقت را دریابیم و گام به گام پیش برویم، و هر گامی که برداشته‌ایم به ما نیرو داده تا گام بعدی را برداریم. اما اکنون زمان تقریباً به پایان رسیده است، و آنچه را که ما سال‌ها به آموختنش پرداخته‌ایم، آنان باید در چند ماه بیاموزند. آنان همچنین چیزهای بسیاری برای یاد بردن و چیزهای بسیاری برای از نو آموختن دارند. کسانی که نمی‌خواهند هنگامی که فرمان صادر می‌شود، نشان وحش و صورت او را بپذیرند، باید اکنون عزم داشته باشند که بگویند: نه، ما به آیین وحش اعتنا نخواهیم کرد. نوشته‌های نخستین، ۶۷.